



## تداولية الالفاظ لقصة ( تن تن سندباد ) محمد مير كياني

### تداولية الالفاظ لقصة ( تن تن سندباد ) محمد مير كياني

م/ علي محيسن عبود

جامعة سومر

البريد الإلكتروني Email : [a.abood@uos.edu.iq](mailto:a.abood@uos.edu.iq)

**الكلمات المفتاحية:** تن تن و سندباد، القصة ، التداولية اللفظية .

#### كيفية اقتباس البحث

عبود ، علي محيسن، تداولية الالفاظ لقصة ( تن تن سندباد ) محمد مير كياني، مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية، ٢٠٢٢، المجلد: ١٢، العدد: ٢ .

هذا البحث من نوع الوصول المفتوح مرخص بموجب رخصة المشاع الإبداعي لحقوق التأليف والنشر ( Creative Commons Attribution ) تتيح فقط للآخرين تحميل البحث ومشاركته مع الآخرين بشرط نسب العمل الأصلي للمؤلف، ودون القيام بأي تعديل أو استخدامه لأغراض تجارية.

مسجلة في  
**Registered**  
**ROAD**

مفهرسة في  
**Indexed**  
**IASJ**



## The Pragmatic aspects in Al-Fafaz Qeste Story (Tan Tan Sinbad) by Mohammad Muir Kiani

Ali Mhasen Abood  
UNIVERSITY OF SUMER

**Keywords** : Tan Tan and Sinbad .the story . verbal deliberation. Flag style.

### How To Cite This Article

Abood, Ali Mhasen, The Pragmatic aspects in Al-Fafaz Qeste Story (Tan Tan Sinbad) by Mohammad Muir Kiani, Journal Of Babylon Center For Humanities Studies, Year :2022, Volume:12, Issue 2.

This is an open access article under the CC BY-NC-ND license  
(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



[This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License.](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

### Summary :

The Language is a means of link the between Humans and communication with others and through them reveals to them including the hidden secrets and things where the vocabulary plays a role in the language and is not limited to this role on the acquaintance and theoretical discussions only, but it has also appeared in the linguistic preparations, where our language consists of words and imposes this speech Through speech in different roles and through the use of words to express our opinion of others and careful consideration of the word we understand it is the result of linguistic meanings used to exchange ideas and ideas, and to understand the meaning of the word and its concept better and we have the interest in using the In this article, we discuss the precise meaning of the novel "Ten Ten and Sindbad" where the vocabulary was extracted and studied in terms of the structure of the vocabulary, the role of the noun and the descriptive, the limitations of the number and the number , Character and color, Persian combination marks, vocabulary of Arabic and foreign combination, special name and





names of countries. In order to arrive at the most important characteristics of the uses of the linguistic knowledge of (Tan Tan Sinbad), the use of words is more common, as was observed in research and methodological studies. We can say that the story (Tan Tan and Sinbad) is considered a strategic book in the field of adolescent literature, as this book was edited in the year 1370 AH. And the author's goal in writing such a story was a metaphorical and indirect treatment of the issue of "cultural invasion" of the West's invasion of the East, and the remarkable thing is that in the early seventies the issue of (cultural invasion) was not clear and visible to everyone, and despite the great focus of the leader of the revolution on This issue, however, was vague and incomprehensible to a wide range of stakeholders and officials.

#### خلاصة :

اللغة هي وسيلة لارتباط الإنسان وتواصله مع الآخرين ، وبواسطتها يبوح لهم بما في داخله من أمور وأسرار خفية ، حيث تلعب المفردات دوراً مهماً في اللغة ، ولم ينحصر هذا الدور بالتعاريف والأبحاث النظرية فقط ولكنه قد ظهر في الاستعمالات اللغوية أيضاً ، حيث أن لغتنا متكوّنة من كلمات ، وهذه الكلمات تلعب أدواراً مختلفة في سياق الكلام ، وباستخدام تلك الكلمات نقوم بالتعبير عن رأينا للآخرين ، وإذا دققنا جيداً في تلك الكلمات سنستشف أنها حصيلة المعاني اللغوية المستخدمة بقصد تبادل الآراء والأفكار ، ولكي نكون قادرين على فهم وإدراك معاني الكلمات بشكل أفضل وأدق علينا البحث عن معانيها أثناء استخدامها ضمن سياق الكلام ، وبهذا النحو سنكون قادرين على فهم المعنى المقصود من الكلام بشكل أدق ، وسنقوم في هذا المقال إلى التعرف على المعاني الدقيقة للكلمات المستخدمة في قصة (تن تن وسندباد) من خلال استخراج ودراسة الكلمات من حيث البنية ، والوظيفة التي تقوم بها كالصفة ، والموصوف ، والقيود ( أي: الظرف والحال والمفعول المطلق ) ، والعدد والمعدود ، واللون ، وعلامات الجمع الفارسية ، ومفردات الجمع العربية ، والضمائر ، والألفاظ التي تدلّ على الأصوات ، والمفردات العربية والأجنبية ، وأسماء العلم وأسماء الدول ، وذلك بهدف الوصول إلى معرفة أهم خصائص استعمالات كلمات قصة (تن تن سندباد) ، والتي تعدّ من وجهة نظر أبحاث علم الأساليب اللغوية الأكثر شيوعاً ورواجاً.

ويمكننا القول أن قصة (تن تن وسندباد) تعدّ كتاباً استراتيجياً في مجال أدب المراهقين ، حيث حرّرها الكتاب في عام ١٣٧٠هـ.ش ، وقد جعل محرّرها الكتاب قضية الناشئة في عصره المحور الرئيسي والجوهري للقصة ، وناقشها بنظرة ثاقبة ، ومتأنية ، وكان هدف المؤلف من تأليف هكذا قصة هو معالجة مجازية وغير مباشرة لقضية "الغزو الثقافي" غزو الغرب



## تداولية الالفاظ لقصة (تن تن سندباد) محمد مير كياني

للشرق ، والشيء اللافت للانتباه هو أنه في أوائل السبعينيات لم تكن قضية (الغزوالثقافي) واضحة ومرئية للجميع ، وعلى الرغم من التركيز الكبير لقائد الثورة على هذه القضية ، إلا أنها كانت غامضة وغير مفهومة لمجموعة واسعة من أصحاب الشأن والمسؤولين .

### کاربردشناسی واژگانی داستان «تن تن سندباد» محمد میرکیانی

م/ علي محيسن عبود

دانشگاه سومر

a.abood@uos.edu.iq

#### چکیده

آدمی به واسطه زبان با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و مکنونات درونی و باطنی خویش را با ایشان در میان می‌گذارد. واژگان در زبان نقش مهمی ایفا می‌کنند. این نقش، محدود به تعاریف و مباحث نظری نیست بلکه در کاربردهای زبانی نیز خود را نشان داده اند. زبان ما متشکل از واژگان است. این واژگان در کلام نقش‌های گوناگون می‌پذیرند. ما با بهره‌گیری از واژگان منظور خویش را به مخاطبان منتقل می‌کنیم. با نگاهی دقیق به واژگان درمی‌یابیم که آنها حاصل معانی هستند که کاربران زبان به منظور تبادل آراء و افکار خود از آنها بهره می‌گیرند. برای درک بهتر و دقیق‌تر معنا و مفهوم واژگان می‌بایست به کاربردهای واژگان در بستر و بافت کلامی توجه کرد. این عمل سبب می‌شود تا درک آگاهانه‌تری نسبت به منظور متکلمان به دست آوریم، در این مقاله برآنیم تا به شناخت دقیقی نسبت به واژگان داستان «تن تن و سندباد» دست یابیم. بدین منظور واژگان به لحاظ ساختمان واژگانی، نقش‌های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه‌های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام‌آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص، اسم کشور استخراج و بررسی شدند، به منظور رسیدن به مهم‌ترین خصیصه‌های کاربردشناسی واژگانی «تن تن سندباد»، پریسامدترین کاربردهای واژگانی آن‌چنان که در مطالعات و بررسی‌های سبک‌شناسی لحاظ شده است برشمرده می‌شود. اما در باره داستان تن تن و سندباد را می‌توان یک کتاب استراتژیک درحوزه ادبیات نوجوان به‌شمار آورد. این کتاب که در سال ۱۳۷۰ نگارش شده است، بانگاهی دقیق و نافذ مسئله‌ی نوظهور زمان خود را به عنوان موضوع وهسته ی اصلی داستان برگزیده‌است. هدف نویسنده از خلق چنین داستانی، پرداخت استعاری و غیرمستقیم به مسئله‌ی





«تهاجم فرهنگی» غرب به شرق است. جالب آن که در ابتدای دهه‌ی هفتاد، مسئله‌ی تهاجم فرهنگی امری واضح و قابل رؤیت برای همگان نبود و حتی علی رغم تأکیدات فراوان رهبر انقلاب، این امر برای طیف وسیعی از دست اندرکاران و مسئولان گنگو نامفهوم بود. کلیدواژگان:

تن تن و سندباد، داستان، کاربردشناسی واژگان.

### بیان مسئله

واژگان در داستان «تن تن و سندباد» به چه شکلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و کاربردهای واژگانی به چه سمت و سویی روانه شده است؟ واژگان در این رمان، به لحاظ ساختمان واژه، نقش‌های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه‌های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام‌آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص، اسم کشور چه جایگاهی دارند؟

موارد مذکور مهم‌ترین مسئله‌های ما در این مقاله به شمار می‌روند. کوشش شده است در این پژوهش به پاسخ این مسائل دست یابیم.

### اهمیت و ضرورت مسئله

واژگان در هر زبان، بخشی حیاتی به شمار می‌روند. اینکه هر نویسنده یا شاعر در بخش واژگانی، چه گرایش‌هایی دارد و کاربردهای واژگانی در آثار ایشان به چه شکل است می‌تواند ما را به شناخت سبک ایشان رهنمون کند.

### اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش کاربردشناسی واژگانی داستان «تن تن و سندباد» است.

### نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد. نگارنده میکوشد پس از مطالعه و گردآوری داده‌ها از داستان «تن تن و سندباد» و نیز تحقیقات پژوهندگان، نویسندگان و زبان‌شناسان آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه‌ی پژوهش





تا کنون مقالات و پژوهش های متعددی در ارتباط با ویژگی های زبانی آثار ادبی نوشته شده است اما بررسی کاربردشناسی واژگانی با تمرکز بر داستان «تن تن و سندباد» تا کنون انجام نشده است. نگارنده در این پژوهش در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

### روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه ای فراهم شده است و در این میان کتاب های زبان شناسی، دستوری، ادبی و مقالات و پژوهش های متعددی مطالعه شد. کتاب داستان «تن تن و سندباد» به عنوان اصلی ترین منبع اساس مطالعه قرار گرفته است.

### ۱. مقدمه

زبان یک مفهوم کلی است و از اجتماع گونه های متعدد ساخته شده است. این گونه ها را از نظرگاه های گوناگون می توان طبقه بندی کرد.<sup>(۱)</sup>

بسیاری از صاحب نظران مقوله دستور زبان را از مباحث دشوار می دانند که بررسی و مطالعه آن به سبب عدم قطعیت و نظرات و مؤلفه های گوناگون با پیچیدگی های زیادی همراه است.<sup>(۲)</sup>

بررسی جملات و ساختار آنها یکی از مهم ترین راه های شناخت آثار ادبی است. زبان عنصر مهم و اصلی شاعر است و کاربرد ادبی زبان و کیفیت آن در متون نظم و نثر از مهم ترین راه های شناخت و درک آثار است.<sup>(۳)</sup>

زبان شناسان در مطالعات و بررسی های خویش زبان را از چند جنبه مورد مطالعه قرار داده اند. دستور را می توان را دو دیدگاه و در دو بخش مورد مطالعه و بررسی قرار داد: الف) نحو: به بررسی روابط صوری و ساختاری بین کلمات و عنصرهای زبانی در سطح جمله می پردازد. در این بخش به مطالعه و بررسی امکانات و روش های واژگان برای ساخت جملات و عبارات می پردازد.

ب) صرف: این بخش از دستور به شناخت و بررسی تکواژها و واژگان و تلفیق و ترکیب آنها با یکدیگر به منظور ساخت واژه ها می پردازد. این بخش به شناخت واژگان و صرف می پردازد.<sup>(۴)</sup>

### ۲. کاربردشناسی واژگانی

از دیرباز نگاه ها و رویکردهای گوناگونی به زبان وجود داشته است و به دنبال آن ابزارها و راهکارهای مختلفی برای بررسی و معنایابی آن ارائه شده است. کاربردشناسی واژگانی را نیز می توان از همین مقوله دانست و رویکرد آن را نیز همسو با همین نگرش دانست.

هر کلامی شامل دو بخش محوری است:

(الف) بافت زبانی که شامل مولفه‌های واژگانی، آوایی، صرفی و نحوی است.  
(ب) بافت موقعیت یا همان بافت غیرزبانی که به ساخت، انتقال و دریافت کلام می‌پردازد.<sup>(۵)</sup>  
بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان اولین قدم در شناخت یک متن را، شناخت واژگان آن متن می‌دانند. به‌گونه‌ای که بدون توجه به آن، مراحل بعدی شناخت دچار نقص خواهد شد. شناخت واژگان و کارکرد آنها در بافت کلام سبب راهگشایی لایه‌های ساختاری و معنایی کلام می‌گردد.

امروزه بر این نکته تأکید می‌شود که یادگیری زبان و به تبع آن شناخت واژگان هر زبان می‌بایست بر پایه کاربردشناسی زبان و ارتباط آن با دیگر کاربران زبان صورت گیرد.<sup>(۶)</sup>  
این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هدف اصلی کاربردهای زبانی و به شکلی جزئی‌تری کاربردهای واژگانی، انتقال اطلاعات و داده‌های گوناگون است. این مهم به دور شیوه اصلی انجام می‌شود که در روش اول صراحت و شفافیت زبانی و واژگان اهمیت دارد و در روش دوم؛ قدر و منزلت مخاطب و موقعیت کاربردها اهمیت می‌یابد.<sup>(۷)</sup>

### ۳. ادبیات کودک و نوجوان

نویسندگان در تعاریفی که از ادبیات کودکان ارائه داده‌اند به تفاوت آن با ادبیات بزرگسالان نیز اشاره کرده‌اند:

ادبیات کودکان نه تنها نباید چیزی از ادبیات بزرگسالان کم داشته باشد بلکه باید مفاهیم بنیادی و سازنده‌تری توجه کند.<sup>(۸)</sup>

شعاری‌نژاد در تعریف این نوع ادبیات به محتوای آن بیشتر توجه کرده است. ادبیات کودکان و نوجوانان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی (کتابها و مقالات) گفته میشود که توسط نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه میشود و در همی آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است.<sup>(۹)</sup>

تعاریف بالا و بسیاری از تعاریف این حوزه بیان‌گر این است که در ادبیات کودک و نوجوان، نوجوانان به حاشیه رانده شده‌اند و عمده تعاریف و نگرش‌ها، مخاطبان کودک را هدف قرار داده‌اند. به همین دلیل تعداد کتاب‌های داستان و شعری که دربردارنده نیازهای خاص دوره نوجوانی باشد، اندک است.

### ۴. تن تن و سندباد

«تن تن و سندباد» نوشته محمد میرکیانی؛ داستانی بلند در ژانر تخیلی است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید و پس از آن بارها تجدید چاپ شد. «تن تن و سندباد» روایتگر نبرد دو گروه مخالف در فضایی مهیج است. شخصیت‌های داستان در دو گروه ایرانی و غیرایرانی با یکدیگر درگیر می‌شوند. این درگیری تمثیلی از درگیری شرق و غرب و تلاش و مقاومت شرقیان در مقابل نفوذ غربیان است.

### ۵. کاربردشناسی واژگانی داستان «تن تن و سندباد»

برای کاربردشناسی واژگان داستان «تن تن و سندباد» پریسامدترین کاربردهای واژگانی آن چنان که در مطالعات و بررسی‌های سبک‌شناسی لحاظ شده است<sup>(۱۰)</sup>. برشمرده می‌شود. از آنجا که این داستان سرشار از واژگان و موارد قابل بررسی است، در این پژوهش به مواردی پرداخته‌ایم که ارزش سبکی داشته‌اند. به گفته سیروس شمیسا؛ این خصیصه‌ها چه به لحاظ لفظی و چه ادبی و چه فکری می‌بایست مکرر باشند<sup>(۱۱)</sup>. مواردی و نمونه‌هایی که در این پژوهش به آنها پرداخته‌ایم در داستان «تن تن و سندباد» با تکرار بالا وجود داشتند.

### ۵. ۱ ساختمان واژگان

واژگان را از نظر ساخت می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ساده و غیرساده. واژگان غیر ساده به سه دسته مشتق، مرکب و مشتق - مرکب است. در داستان «تن تن و سندباد» واژگان ساده، مشتق و مرکب بسامد بالاتری دارند. واژگان مشتق - مرکب حضور کم‌رنگتری در داستان دارند.

اسم ساده	صفحه	اسم مرکب	صفحه	اسم مشتق	صفحه	اسم مشتق_مرکب	صفحه
قایق	10	ماهگیر	9	بادبان	17	رنگامیزی	9
ساحل	10	نقشدار	12	زادگاه	21	جست وخیز	9
لباس	12	نقابدار	12	جادوگر	26	فراموشکاری	13
پیاده	12	خیال انگیز	14	موشک	29	آتش بازی	26
کشتی	36	شاخدار	39	کارگاه	30	فریخوردگی	32
چراغ	40	گلاب	50	خطرناک	32	دستکاری	33
طناب	52	پیشناز	55	پیروزمندانه	34	خونسردی	43
اتاق	55	چارچوب	58	موشک	39	گلاب پاشی	50
هوش	63	خبردار	62	گرفتار	48	ترحم آمیزی	67
چنگ	82	سرنوشت ساز	64	وحشتناک	64	سنگدلی	67







## تداولية الالفاظ لقصة (تن تن سندباد) محمد مير كياني

نبرد	82	مشرق زمين	67	نمناک	85	دور افتاده	85
دریا	89	سرزمین	69	فرستنده	100	پیشاپیش	91
چادر	89	جنگ افزار	72	شعلهور	115	محکم کاری	96
کویر	95	درگیر	88	گردباد	147	دلسوزی	100
صحرا	129	سرپرست	94	آویزان	147	جمع آوری	101
مرگ	132	همسفر	103	آبادی	159	گروگان گیری	108
چراغ	143	خبررسان	108	شناور	160	لحظه شماری	114

### ۲.۵ صفت و موصوف

صفت‌ها و موصوف‌ها از مقوله‌های واژگانی به شمار می‌روند که ذیل واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرند. استخراج مهم‌ترین صفت‌ها در داستان «تن تن و سندباد» نگاه نویسنده به این مقوله را مشخص می‌کند. میرکیانی با بهره‌گیری از صفت‌هایی ساده و متناسب با درک و دریافت مخاطب داستان خود را بی‌هیچ ابهامی پیش می‌برد.

آن نقطه نزدیک و نزدیکتر شد و کم کم به شکل یک کشتی بزرگ درآمد. <sup>(۱۲)</sup>

به دنبال این حرف، مرد میانسالی از قایق پیاده شد. <sup>(۱۳)</sup>

هرچند گاه یک بار هم ریش مشکی و پیشتش را میخاراند. <sup>(۱۴)</sup>

سندباد، جوانی بلندقد بود. <sup>(۱۵)</sup>

بعد ناگهان جلو دوید و یقه جوانی را که قد متوسطی داشت گرفت. <sup>(۱۶)</sup>

کاپیتان هادوک که کلاهش در آتش سوزی از بین رفته بود موهای آشفته و ریشهای پریشانش را چنگی زد. <sup>(۱۷)</sup>

جوان لاغراندام و سیاه سوخته‌های که لباس یکدستی از پنبه به تن کرده بود پرسید. <sup>(۱۸)</sup>

صدای پارس سگ و صدای قدمهای سنگین یک نفر از اتاق کناری آمد. <sup>(۱۹)</sup>

اووه سندباد؛ دوست بیچاره من. <sup>(۲۰)</sup>

میبینی که گوریل بسیار بدترکیب و بزرگی، با دو تا دست زشت، کشتی تو را از دریا جدا کرده. <sup>(۲۱)</sup>

حالا من به تو اخطار میکنم که هرچه زودتر تسلیم بشوی و به آن غول بیشاخ و دم هم

بگویی که کشتی ما را روی آب بگذارد. <sup>(۲۲)</sup>

ما با مشکلات زیاد توانستیم در این بیابان خشک و خالی چنین پایگاهی بسازیم. <sup>(۲۳)</sup>

هدر دادن آب در این بیابان خشک، یعنی خودکشی. <sup>(۲۴)</sup>



## تداولیة الالفاظ لقصة (تن تن سندباد) محمد میر کیانی

گردباد کویری، مثل غولی بزرگ، شنهای کویر را میبلعید و با صدایی وحشتناک، زوزه کشان نزدیک میشد. (۲۵)

ولی جوانمردی حکم میکند که این آدم ضعیف را آزاد کنم. (۲۶)  
کجایی تنتن لعنتی، پروفیسور بیلیاقت، سوپرمن بیعرضه؟ آهای گوریل بیشاخ و دم، تو کدام گوری رفتهای؟ (۲۷)

کاپیتان هادوک و سوپرمن هم روی یک فیل و تنتن و پروفیسور و سگ سفید پشمالو هم روی فیل دیگری نشسته بودند. (۲۸)

### ۳. ۵ قید

قیدها نیز همچون صفت از مواردی به شمار می‌روند که ذیل واژگان قرار می‌گیرند. قیدهایی که نویسنده در این کتاب استفاده کرده در گروه قیدهای مختص می‌گنجد. چرا زودتر به من حرفی نزدی؟ (۲۹)

کاپیتان هادوک با ناراحتی چند قدم جلو گذاشت. (۳۰)  
من درست مثل خودت اصلا اهل خشونت نیستم. (۳۱)  
کاپیتان هادوک که هنوز جلو در اتاق فرماندهی ایستاده بود قوطیهای حلبیای را که آورده بود روی زمین انداخت. (۳۲)

حالا هرچه زودتر باید به سراغ سندباد و دوستانش بروی. (۳۳)  
اصلا میل نداشتم تو را در این حالت ببینم. (۳۴)  
پدر و پسر باور نمی‌کردند که آن اتفاقها واقعا افتاده باشد. (۳۵)  
من کاملا جدی صحبت میکنم کاپیتان. (۳۶)  
سندباد همه چیز را میفهمد و در این بیابانی که ما اصلا با آن آشنایی نداریم به ما حمله میکند. (۳۷)

اصلا انتظار نداشتم تو را در چنین وضعی ببینم. (۳۸)  
فقط امیدوارم که غول هرچه زودتر از راه برسد، تا بیش از این تشنه نمانیم. (۳۹)

### ۴. ۵ عدد و معدود

یکی از کاربردهای واژگانی در داستان «تن تن و سندباد» حضور اعداد در آن است. اعداد وجه کمی داستان و توجه نویسنده به این بخش را نشان می‌دهد. ذکر جرئی اعداد و پدیده‌ها در این داستان هدف اصلی میرکیانی نبوده بلکه مراد وی از بیان اعداد توجه مخاطب به کثرت بوده است.



حالا به رسم مردم مشرقزمین تا هفت می‌شمارم.<sup>(۴۰)</sup>

شمارش از همین لحظه شروع میشود: یک... دو... سه... چهار... پنج... شش... هفت...  
(۴۱)

ما در دام یک عده جادوگر افتاده‌ایم.<sup>(۴۲)</sup>

پروفسور بلند شد؛ یک دستش را به کمر زد، و در اتاق فرماندهی شروع به قدم زدن کرد: یک، دو، سه... یک، دو، سه...<sup>(۴۳)</sup>

ولی اگر می‌خواهی بدانی چطور اینجا را پیدا کردم بهتر است بروی قصه علی بابا و چهل دزد بغداد را بخوانی.<sup>(۴۴)</sup>

حالا پیدا کردن سه نفر که کار چندان مشکلی نیست.<sup>(۴۵)</sup>

چهار چشمی نگهبانی بده.<sup>(۴۶)</sup>

او گفت که در اولین فرصت خودش را به اینجا می‌رساند.<sup>(۴۷)</sup> (میرکیانی، ۱۳۷۳: ۴۳).

ما به اولین شهر که رسیدیم از تو جدا می‌شویم.<sup>(۴۸)</sup>

میدانید که ما فقط یک بار شانس حمله داریم.<sup>(۴۹)</sup>

من به رسم مردم مشرقزمین، تا شماره هفت می‌شمارم.<sup>(۵۰)</sup>

الان شمارش شروع میشود: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش...<sup>(۵۱)</sup>

چه میبینم پروفسور: یک قارچ اتمی.<sup>(۵۲)</sup>

## ۵.۵ رنگ

یکی از کاربردهای واژگانی توصیف حالت یک پدیده است و در این میان رنگ‌ها نقشی محوری ایفا می‌کند. بیان رنگ‌ها علاوه بر آنکه توصیف واژه را جزئی‌تر و دقیق‌تر می‌کند، به غنای داستان نیز می‌افزاید. میرکیانی در داستان «تن تن و سندباد» از شش رنگ غیرتکراری نام برده و در این میان رنگ‌های «سیاه» و «سفید» بسامد بالاتری دارند.

کفش چرمی زعفرانی رنگی به پا کرده بود.<sup>(۵۳)</sup>

پروفسور که حالا رنگش مثل گچ سفید شده بود ساعت جیبیاش را بیرون آورد و نگاهی ه عقربهای آن انداخت.<sup>(۵۴)</sup>

جوان لاغراندام و سیاه سوخته‌ای که لباس یکدستی از پنبه به تن کرده بود پرسید.<sup>(۵۵)</sup>

هروقت هم که وارد کشتی تن تن میشوی بیشتر از هرکس، از آن سگ سفید بترس.<sup>(۵۶)</sup>

کاپیتان هادوک با عجله خودش را به اتاق سیاه و دود گرفته فرماندهی کشتی رساند.<sup>(۵۷)</sup>

لباسی قرمز و چسبان پوشیده بود و شنلی سیاه رنگ بر دوش انداخته بود.<sup>(۵۸)</sup>



دوباره دریا آرام گرفت و خورشید، نور نقرهای رنگش را همجا پاشید. (۵۹)

چند سیاهی از دور نزدیک میشدند. (۶۰)

پرتوهای زرد رنگ خورشید تازه صحرا را رنگ آمیزی کرده بودند که تارزان و کاپیتان هادوک

به چادر فرماندهی تنتن رسیدند. (۶۱)

کاپیتان هادوک و سوپرمن هم روی یک فیل و تنتن و پروفیسور و سگ سفید پشمالو هم روی

فیل دیگری نشسته بودند. (۶۲)

### ۶.۵ جمع

یکی از قابلیت‌های غالب واژگان، جمع‌پذیری آنهاست. بسیاری از واژگان را می‌توان با

افزودن نشانه‌های جمع، گسترش داد. البته صورت‌های جمع غالباً در فرهنگ‌ها و مدخل‌ها

ذکر نمی‌شوند و آنها را در ذیل مدخل اصلی ضبط می‌کنند. در این بخش پربسامدترین واژگان

جمع فارسی و عربی در داستان «تن تن و سندباد» را می‌خوانیم.

### ۶.۵.۱ جمع فارسی

مهم‌ترین نشانه‌های جمع فارسی در داستان «تن تن و سندباد» به ترتیب نشانه‌های «ها» و

«ان» است.

مرغهای دریایی در حال پرواز و جست و خیز بودند. (۶۳)

من از این آدمها میترسم. (۶۴)

آنها دوستان ما هستند. (۶۵)

او لباس ناخدایی کشتیهایمغرب زمینها را پوشیده بود. (۶۶)

ما جهانگردان معروف: خودم، تن تن، سگم، میلو، کاپیتان هادوک و پروفیسور، برای گردش

به اینجا آمده‌ایم. (۶۷)

بله درست است؛ ما دوستان خوبی پیدا کرده ایم. (۶۸)

ما برای پیدا کردن سرزمین قصه‌های مشرقزمین به اینجا آمده‌ایم. (۶۹)

شما بزرگان را تا به حال این طرفها ندیده بودم. (۷۰)

میخواستم توپها را بازدید کنم. (۷۱)

دوست داشتم این مأموریت بدون کمک گرفتن از دوستان دیگرمان در غرب به آخر

میرسید. (۷۲)

ما تجربه سالها و سالها جنگ با دزدها و راهزنها در جاده ابریشم را پشت سر داریم. (۷۳)

باید تا فردا صبح که من موشکها را آماده میکنم صبر کنیم. (۷۴)



سرزمين قصههاي مشرقزمين، به قهرمانانقصههاي خودش تعلق دارد. (٧٥)

در طول اين سفر، دايم به ياد حمله راهزنان ميافتم و ناخودآگاه با خودم حرف ميزنم. (٧٦)  
بايست به رسم جوانمردان مشرق زمين عمل ميکردم. (٧٧)

### ٢.٦.٥ جمع عربي

از ميان نشانههاي متعدد جمع عربي، در داستان «تن تن و سندباد» جمع مکسر کاربرد داشته است و نويسنده واژگان جمع مکسر را در کتاب خود گنجانده است. مي توان يکي از دلايل اين کاربرد و رويکرد را در مأنوس بودن و طبيعي بودن اين واژگان در ميان سخنوران زبان فارسي دانست.

من فقط به اطلاعات علمي تو احتياج دارم پروفوسور. (٧٨)

تن تن هم با عجله رفت، تا وسايل ساخت موشکها را آماده کند. (٧٩)

کاپيتان هادوک که فهميد ندانسته، اسرار عمليات را فاش کرده است زيانش را تا نصفه بيرون آورد و آن را گاز گرفت. (٨٠)

احساس کرد اتفاقي افتاده و خطري، جان افراد کشتي را تهديد ميکند. (٨١)

بقيۀ افراد وحشتزده به او نگاه ميکردند و جرأت بيرون رفتن نداشتند. (٨٢)

او، يکي يکي، يارانش را که روي امواج کفآلود دست و پا ميزدند بلند کرد و روي عرشۀ کشتي گذاشت. (٨٣)

قايق تن تن و يارانش، در ميان امواج سرگردان بود. (٨٤)

اين بار قصد دارم کشتي آنها را دود هوا کنم؛ بدون هيچ اخطار و هيچ گذشتي. (٨٥)

سندباد و افرادش دور کاپيتان هادوک حلقه زدند. (٨٦)

نفس در سينۀ افراد تن تن حبس شد. (٨٧)

### ٧.٥ ضمماير

ضمماير غالبا هسته گروههاي اسمي واقعي ميشوند و از اين رو مي توان در دسته واژگان مرود بررسي قرار گيرند. ضمماير در غالب موارد جانشين اسم مي گردند و به قرينه هاي لفظي و معنوي سبب حذف اسم ميشوند. در اين بخش پريسامدترين ضمماير جدا، پيوسته، شخصي و اشاره ذکر شده اند.

### ١.٧.٥ ضمير جدا

\_\_\_\_\_ آنها دوستان ما هستند. (٨٨)

## تداولية الالفاظ لقصة ( تن تن سندباد ) محمد مير كياني

ما جهانگردان معروف: خودم، تن تن، سگم، میلو، کاپیتان هادوک و پروفیسور، برای گردش به اینجا آمده‌ایم. (۸۹)

من که میگویم برویم. (۹۰)

اینجا زادگاه و سرزمین ما است. (۹۱)

پرتاب آنها با من. (۹۲)

ما قصد داشتیم این کار را بکنیم. (۹۳)

او وقتی دوباره پا روی عرشه کشتی گذاشت خیلی ترسید. (۹۴)

فقط بگو که چه کاری از دست تو ساخته است؟ (۹۵)

من به جاهایی رفتم که اصلا نام و نشانی از تو و یارانت نبود. (۹۶)

وقتی که نخودی رفت و دوباره در زد، از شجاعت او، من هم شجاع شدم. (۹۷) ولی من از او

میترسم. (۹۸)

### ۲.۷.۵ ضمیر پیوسته

خورشید با نور نقره ای رنگش همه جا را رنگآمیزی کرده بود. (۹۹)

پسرک ماهیگیر لبخندی زد و به طرف قایقش رفت. (۱۰۰)

پسرک عقب عقب رفت و به طرف کلبه‌اش برگشت. (۱۰۱)

آه که این کاپیتان هم همیشه در کارهایش عجله میکند. (۱۰۲)

گفتم که خیالت خیلی راحت است پروفیسور. (۱۰۳)

کاپیتان هادوک که فهمید ندانسته، اسرار عملیات را فاش کرده است زیانش را تا نصفه بیرون

آورد و آن را گاز گرفت. (۱۰۴)

کاپیتان هادوک که کلاهش در آتش سوزی از بین رفته بود موهای آشفته و ریشهای پریشان را

چنگی زد. (۱۰۵)

من به جاهایی رفتم که اصلا نام و نشانی از تو و یارانت نبود. (۱۰۶)

به خصوص میبینی که حال دوستانت هم خیلی خوب نیست. (۱۰۷)

همانطور که گفتم، به نظرم قصه هنوز تمام نشده. (۱۰۸)

### ۳.۷.۵ ضمیر شخصی

در همین حال با خودش گفت. (۱۰۹)

به کشتی خودت برگرد. (۱۱۰)

کاپیتان هادوک که روی صندلی چرخانی نشسته بود تکانی به خودش داد. (۱۱۱)



پروفسور روی شانۀ او زد و آهسته گفت که مواظب خودش باشد. (۱۱۲)

علی بابا فوتی به دود و بخارهای اطراف خودش کرد. (۱۱۳)

کاپیتان هادوک با عجله خودش را به اتاق سیاه و دود گرفته فرماندهی کشتی رساند. (۱۱۴)

او گفت که در اولین فرصت خودش را به اینجا میرساند. (۱۱۵)

چرا خودم را به خطر بیندازم. (۱۱۶)

سندباد به یارانش اشاره کرد که از جا بلند شوند و خودشان را برای دفاع آماده کنند. (۱۱۷)

همینطور در بیابان به راه خودشان ادامه میدهند. (۱۱۸)

او قدم میزد و زیر لب با خودش حرف میزد. (۱۱۹)

#### ۵ . ۷ . ۴ ضمیر اشاره

اینجا زادگاه و سرزمین ما است. (۱۲۰)

پروفسور هم طوری با خیال راحت به این طرف و آن طرف می‌رود که انگار دارد روی دیوار

چین قدم میزند. (۱۲۱)

ما قصد داشتیم این کار را بکنیم. (۱۲۲)

این یک دروغ شاخدار است. (۱۲۳)

او گفت که در اولین فرصت خودش را به اینجا میرساند. (۱۲۴)

پس آب، برای ادامه این سفر، خیلی مهم است. (۱۲۵)

مشکل اینجا بود که من بایست به جای کاپیتان میرفتم. (۱۲۶)

ولی برای این کار باید از خود کاپیتان هادوک کمک بگیریم. (۱۲۷)

#### ۵ . ۸ نام آوا

نام آواها با تکرار یک آوا می‌توانند مفهوم یک پدیده یا کنش واقع شوند و علاوه بر آن حس

را نیز به خوبی به مخاطب منتقل کنند. در داستان «تن تن و سندباد» تنها یک مورد نام آوا

وجود دارد.

مشک، قل قل صدا کرد و آب آن روی ماسه‌های تشنه کوبر خالی شد. (۱۲۸)

#### ۵ . ۹ واژگان بیگانه

از آنجا که زبان فارسی و عربی آنچنان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان واژگان عربی را از

آن جدا کرد و زبانی عاری و خالی از واژگان عربی را متصور شد، در این بخش به واژگان

عربی نپرداخته‌ایم. زیرا اگر قصد این بود می‌بایست بخش زیادی از مقاله را به این واژگان

اختصاص می‌دادیم. محتوای داستان «تن تن و سندباد» به نبرد بین ایرانی‌ها و غیرایرانی‌ها



می‌پردازد. در راستای محتوا و درون‌مایه اصلی کتاب، در برخی قسمت‌ها واژگان فرنگی نیز راه یافته‌اند.

### ۱۰۹۰۵ واژگان فرنگی

زود باش پرفسور<sup>(۱۲۹)</sup>!. (میرکیانی، ۱۳۷۳: ۱۲).

آه که این کاپیتان هم همیشه در کارهایش عجله میکند. (۱۳۰)

کاپیتان هادوک دیگر جوابی نداد. (۱۳۱)

پرفسور پرسید: «تو چه قصدی داری کاپیتان؟»

تو باید اینجا بمانی کاپیتان. (۱۳۲)

هنوز پرفسور از گفتن این حرف فارغ نشده که دوباره در اتاق به صدا درآمد. (۱۳۳)

بعد نفس زنان آمد و خودش را روی کاناپه پهن کرد. (۱۳۴)

اگر پای آن گوریل به اینجا برسد، کشتی سندباد را روی دست بلند میکند و چندبار آن را دور

سرش میچرخاند و به چند مایل آن طرفتر پرتاب میکند. (۱۳۵)

فقط با یک اشاره تن تن، این حیوان زبان نفهم، کشتی تو را چند بار دور سرش میچرخاند، و

چند مایل آنطرفتر پرتاب میکند. (میرکیانی، ۱۳۷۳: ۶۶).

### ۱۰۰۵ اسامی خاص

#### ۱۰۱۰۰۵ اسم اشخاص

بخشی از کاربرد واژگانی در داستان «تن تن و سندباد» به اسامی خاص اختصاص یافته

است. اسامی اشخاص در این میان حضور پررنگتری دارد. همچنین در ذیل اسامی خاص،

نام مکان‌ها نیز آمده است.

صبر کن میلو. (۱۳۷)!

کاپیتان هادوک از همان جا که ایستاده بود داد زد. (۱۳۸)

خوب تن تن؛ حالا بگو کجا برویم و چکار کنیم؟ (۱۳۹)

ما جهانگردان معروف: خودم، تن تن، سگم، میلو، کاپیتان هادوک و پرفسور، برای گردش

به اینجا آمده‌ایم. (۱۴۰)

تن تن و همراهانش در ساحل ایستاده بودند که جوانی از کشتی بادبانی پایین آمد و سوار

قایقی شد و به ساحل آمد. (۱۴۱)

کاپیتان هادوک که از این حرف ناراحت شده بود گفت: «خیلی از او تعریف نکن پرفسور.

سندباد هرچه که باشد نمیتواند در برابر ما ایستادگی کند.» (۱۴۲)





ماهيگیر و سندباد مدتی با هم احوالپرسی کردند. (۱۴۳)

کاپیتان هادوک دیگر جوابی نداد. (۱۴۴)

من علی بابا، فرستاده مخصوص سندباد هستم. آمدهام تا پیام سندباد را به تن تن برسانم. (۱۴۵)

کاپیتان هادوک که فهمید ندانسته، اسرار عملیات را فاش کرده است زیانش را تا نصفه بیرون

آورد و آن را گاز گرفت. (۱۴۶)

صدای خروپف علاء الدین بلند شده بود. (۱۴۷)

کاپیتان هادوک با خوشحالی گفت: «آمد...! سوپرمن آمد!» (۱۴۸)

نخودی از اتفاقی که برای پهلوان پنبه و علی بابا افتاده بود، خیلی تعجب کرد. (۱۴۹)

علاء الدین در صندوقی را باز کرد. (۱۵۰)

کاپیتان هادوک کمی صدایش را پایین آورد و گفت: «مثلا آن گوریل بزرگ؛ یعنی کینگ

کنگ. (۱۵۱)»

من هم با آمدن کینگ کنگ موافقم. (۱۵۲)

پهلوان پنبه بیآنکه حرفی بزند سرش را پایین انداخت. (۱۵۳)

کاپیتان هادوک عصبانی شد و فریادی کشید و به کینگ کنگ ناسزا گفت. (۱۵۴)

میلو، مثل یک گلوله پشیمی، خودش را جلوی پای تن تن جمع کرده بود. (۱۵۵)

سوپرمن در حال بیرون رفتن از چادر بود که ناگهان میلو، پارسکنان از جا جست و از چادر

بزرگ بیرون رفت. (۱۵۶)

این نعره تارزان است! باز هم تارزان! زنده باد تارزان. (۱۵۷)

کاپیتان هادوک و سوپرمن هم روی یک فیل و تتن و پروفیسور و سگ سفید پشمالو هم روی

فیل دیگری نشسته بودند. (۱۵۸)

در این لحظه صدای تارزان بلند شد که به افراد دستور توقف داد. (۱۵۹)

اسم من رستم است؛ رستم دستان. (۱۶۰)

من اسم رستم را زیاد شنیده‌ام. (۱۶۱)

### ۲.۱۰.۵ اسم مکان

پیش از تو خیلی از جادوگرهای قبیللهای آفریقایی خواستند ما را از سرزمین قصه‌هایشان

محروم کنند ولی نتوانستند. (۱۶۲)

انگار دارد روی دیوار چین قدم میزند و گردش میکند. (۱۶۳)

مثل اینکه داری روی دیوار چین قدم میزنی و تفریح میکنی. (۱۶۴)





ما باید چند تا موشک ساده چینی بسازیم. (۱۶۵)  
ولی اگر میخواهی بدانی چطور اینجا را پیدا کردم بهتر است بروی قصه علی بابا و چهل دزد بغداد را بخوانی. (۱۶۶)  
از علی بابا هم که سالها پیش به آن خوبی توانسته بود چهل دزد بغداد را گرفتار کند انتظار نداشتم اینطور غافلگیر شود. (۱۶۷)  
ما تجربه سالها و سالها جنگ با دزدها و راهزنها در جاده ابریشم را پشت سر داریم (۱۶۸)  
ولی ما در جاده ابریشم هستیم. (۱۶۹)  
به تمام کشورهایی که جاده بزرگ ابریشم از آنها میگذرد. (۱۷۰)

### نتیجه‌گیری

در این بررسی واژگان کتاب داستان «تن تن و سندباد» را در بخش‌های ساختار واژگانی، نقش‌های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه‌های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام‌آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص، اسم کشور استخراج کردیم. بسامد و کاربرد این واژگان نشانه‌ای از گرایش و نوع نگاه نویسنده به مقوله واژگان است و اینکه برای انتقال داده‌ها و مضمون و معنای موردنظر خود از چه راهکارهای مرتبط واژگانی بهره برده است.

واژگان را از نظر ساخت می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ساده و غیرساده. واژگان غیر ساده به سه دسته مشتق، مرکب و مشتق - مرکب است. در داستان «تن تن و سندباد» واژگان ساده، مشتق و مرکب بسامد بالاتری دارند. واژگان مشتق - مرکب حضور کم‌رنگتری در داستان دارند.

میرکیانی با بهره‌گیری از صفت‌هایی ساده و متناسب با درک و دریافت مخاطب داستان خود را بی‌هیچ ابهامی پیش می‌برد. بسامد صفت‌های ساده در داستان «تن تن و سندباد» نسبت به دیگر انواع صفت بالاتر است.

در بخش قید، با قیدهای تکراری مواجه‌ایم. نویسنده غالباً از قیدهای مختص بهره گرفته است. از این روز بسیاری از حالات و موقعیت‌ها به خوبی و روشنی توصیف نشده است. در بررسی اعداد به این نتیجه رسیدیم که ذکر جرئی اعداد و پدیده‌ها در این داستان هدف اصلی میرکیانی نبوده بلکه مراد وی از بیان اعداد توجه مخاطب به کثرت بوده است.



یکی از کاربردهای واژگانی توصیف حالت یک پدیده است و در این میان رنگ‌ها نقشی محوری ایفا می‌کند. میرکیانی در داستان «تن تن و سندباد» از شش رنگ غیرتکراری نام برده و در این میان رنگ‌های «سیاه» و «سفید» بسامد بالاتری دارند.

یکی از قابلیت‌های غالب واژگان، جمع‌پذیری آنهاست. بسیاری از واژگان را می‌توان با افزودن نشانه‌های جمع، گسترش داد. البته صورت‌های جمع غالباً در فرهنگ‌ها و مدخل‌ها ذکر نمی‌شوند و آنها را در ذیل مدخل اصلی ضبط می‌کنند. در این بخش پرسیامدترین واژگان جمع فارسی و عربی در داستان «تن تن و سندباد» را می‌خوانیم.

از میان نشانه‌های متعدد جمع عربی، در داستان «تن تن و سندباد» جمع مکسر کاربرد داشته است و نویسنده واژگان جمع مکسر را در کتاب خود گنجانده است. می‌توان یکی از دلایل این کاربرد و رویکرد را در مأنوس بودن و طبیعی بودن این واژگان در میان سخنوران زبان فارسی دانست.

در بخش بررسی ضمائر، پرسیامدترین ضمائر جدا، پیوسته، شخصی و اشاره ذکر شده‌اند. در داستان «تن تن و سندباد» ضمائر پیوسته نقشی پررنگ ایفا کرده و نسبت به سایر ضمائر بسامد بالاتری دارند.

در داستان «تن تن و سندباد» تنها یک مورد نام‌آوا وجود دارد.

از آنجا که زبان فارسی و عربی آنچنان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان واژگان عربی را از آن جدا کرد و زبانی عاری و خالی از واژگان عربی را متصور شد، در این بخش به واژگان عربی نپرداخته‌ایم. زیرا اگر قصد این بود می‌بایست بخش زیادی از مقاله را به این واژگان اختصاص می‌دادیم. محتوای داستان «تن تن و سندباد» به نبرد بین ایرانی‌ها و غیرایرانی‌ها می‌پردازد. در راستای محتوا و درون‌مایه اصلی کتاب، در برخی قسمت‌ها واژگان فرنگی نیز راه یافته‌اند.

از آنجا که زبان فارسی و عربی آنچنان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان واژگان عربی را از آن جدا کرد و زبانی عاری و خالی از واژگان عربی را متصور شد، در این بخش به واژگان عربی نپرداخته‌ایم. زیرا اگر قصد این بود می‌بایست بخش زیادی از مقاله را به این واژگان اختصاص می‌دادیم. محتوای داستان «تن تن و سندباد» به نبرد بین ایرانی‌ها و غیرایرانی‌ها می‌پردازد. در راستای محتوا و درون‌مایه اصلی کتاب، در برخی قسمت‌ها واژگان فرنگی نیز راه یافته‌اند.

بخشی از کاربرد واژگانی در داستان «تن تن و سندباد» به اسامی خاص اختصاص یافته است. اسامی اشخاص در این میان حضور پررنگتری دارد. علاوه بر این به نام چند مکان نیز اشاره شده است.

### حاشیه های:

- ۱- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۳). توصیف ساختماندستور زبان فارسی. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر، ص ۸.
- ۲- احمدیگیوی، حسن (۱۳۸۰). قواعد تاریخی الفعل. تهران: قطره لنشر، صص ۲۷-۲۸.
- ۳- صفوی، کوروش (۱۳۷۳). از زبان شناسی به ادبیات. تهران: چشمه، ص ۵۱.
- ۴- ر. کمشایخ، زینت (۱۳۸۷). تأمل بر ضمایر متصل. نشریة آموزش زبان و ادب فارسی. دور هیستودوم. شماره ۱، ص ۵۳.
- ۵- میرحاجی، حمیدرضا و نظری، بیوس. \_\_\_\_\_ ف (۱۳۹۲). بررسی یافته‌های متناظر دیدگاه هر جسته‌ترین زبان شناسان قدیم مسلمان بر اساس الگوی حازم قرطاجنی. دوما هنام مجستارهایزبانیه دور فچهارم. شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ص ۱۸۱.
- ۶- ر. کتقیان، ناص. \_\_\_\_\_ رالدینعلی و دیگران (۱۳۹۳). کاربرد شناسی تجربی و کس. ریهنچار مندیبه ره آموزش. زبان خارج از نظری فکر بردشناس. یعام. فصلنام فطالع‌تیمیان رشته ایدر علوم انسانی. دور فشم. شماره ۳، ص ۷۸.
- ۷- ر. ک. مقدسی نیا، مهدی و سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۳). کاربرد شناسی زبان و ساز و کارهای ادب و روزیدر برخیا زادعی فشیعه. دوما هنام مجستارهایزبانیه دور فینجم. شماره ۵ (پیاپی ۲۱)، ص ۲۱۰.
- ۸- ر. ک. ایمن، لیلی و دیگران. (۱۳۵۴). گذریدر ادبیات کودکان. چاپ سوم. تهران: شورای کتاب کودک، ص ۱.
- ۹- شعاریزاد، علیاکبر (۱۳۷۲). ادبیات کودکان. تهران: اطلاعات، ص ۲۹.
- ۱۰- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). سبک شناسی نثر. تهران: نشر میترا، ص ۱۵۳.
- ۱۱- همان، ص ۹۹.
- ۱۲- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، چاپ اول تابستان، چاپ و صحافی پژمان، تهران، ص ۱۰.
- ۱۳- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۱۲.
- ۱۴- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۱۲.
- ۱۵- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۱۸.
- ۱۶- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۳۱.
- ۱۷- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۳۶.
- ۱۸- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۳۹.
- ۱۹- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۵۶.
- ۲۰- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۶۶.
- ۲۱- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۶۶.
- ۲۲- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۶۹.
- ۲۳- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۹۸.
- ۲۴- میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن و سندباد، ص ۱۱۸.





- ٢٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٢٣.
- ٢٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٢٦.
- ٢٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٢٩.
- ٢٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٤٥.
- ٢٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٠.
- ٣٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢٠.
- ٣١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢٠.
- ٣٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٣٠.
- ٣٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٤٦.
- ٣٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٦٦.
- ٣٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٧٥.
- ٣٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٧٨.
- ٣٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٠٠.
- ٣٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٣٢.
- ٣٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٤٠.
- ٤٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢١.
- ٤١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢١.
- ٤٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢٧.
- ٤٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢٨.
- ٤٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٣٥.
- ٤٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٣٥.
- ٤٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٤١.
- ٤٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٤٣.
- ٤٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٩٣.
- ٤٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٠٠.
- ٥٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٠٧.
- ٥١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٠٧.
- ٥٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٢٢.
- ٥٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ١٨.
- ٥٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٢٣.
- ٥٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٣٩.
- ٥٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتوسندباد، ص ٤٠.

- ٥٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٤٣.
- ٥٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٤٤.
- ٥٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٧٤.
- ٦٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٣٠.
- ٦١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٣٣.
- ٦٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٤٥.
- ٦٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٩.
- ٦٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٠.
- ٦٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٢.
- ٦٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٢.
- ٦٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٣.
- ٦٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٤.
- ٦٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٤.
- ٧٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٨.
- ٧١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٢٧.
- ٧٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٣٦.
- ٧٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٥٢.
- ٧٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٥٩.
- ٧٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٦٩.
- ٧٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٠٤.
- ٧٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٤٣.
- ٧٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٢٨.
- ٧٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٣٠.
- ٨٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٣٢.
- ٨١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٤٩.
- ٨٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٥٨.
- ٨٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٧١.
- ٨٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٧٧.
- ٨٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ٨٨.
- ٨٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٠٤.
- ٨٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٥١.
- ٨٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تتنوسندباد، ص ١٢.





- ٨٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ١٣.
- ٩٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ١٥.
- ٩١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٢٠.
- ٩٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣٠.
- ٩٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣٣.
- ٩٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤١.
- ٩٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤٦.
- ٩٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤٦.
- ٩٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٦٢.
- ٩٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٩٥.
- ٩٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٩.
- ١٠٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٩.
- ١٠١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ١٠.
- ١٠٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ١٣.
- ١٠٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٢٩.
- ١٠٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣٢.
- ١٠٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣٦.
- ١٠٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤٦.
- ١٠٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٦٨.
- ١٠٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٧٢.
- ١٠٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٩.
- ١١٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٢٠.
- ١١١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٢٦.
- ١١٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣١.
- ١١٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٣٤.
- ١١٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤٣.
- ١١٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٤٣.
- ١١٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٥٠.
- ١١٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٧٢.
- ١١٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٩٨.
- ١١٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ١٢١.
- ١٢٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص ٢٠.



- ١٢١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٢٨.
- ١٢٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٣٣.
- ١٢٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٣٩.
- ١٢٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٤٣.
- ١٢٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٠٩.
- ١٢٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١١١.
- ١٢٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١١٢.
- ١٢٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١١٦.
- ١٢٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٢.
- ١٣٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٣.
- ١٣١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٢٢.
- ١٣٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٤٧.
- ١٣٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٨.
- ١٣٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٨.
- ١٣٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٩.
- ١٣٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٦٦.
- ١٣٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٢.
- ١٣٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٢.
- ١٣٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٢.
- ١٤٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٣.
- ١٤١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٧.
- ١٤٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٧.
- ١٤٣- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص١٨.
- ١٤٤- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٢٢.
- ١٤٥- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٣٢.
- ١٤٦- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٣٢.
- ١٤٧- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٤٠.
- ١٤٨- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٤٤.
- ١٤٩- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٤٩.
- ١٥٠- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٠.
- ١٥١- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٩.
- ١٥٢- ميركياني، محمد (١٣٧٣). تنتتوسندباد، ص٥٩.





- ۱۵۳- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۶۲.
- ۱۵۴- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۷۱.
- ۱۵۵- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۷۴.
- ۱۵۶- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۲۲.
- ۱۵۷- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۳۰.
- ۱۵۸- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۴۵.
- ۱۵۹- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۴۶.
- ۱۶۰- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۵۰.
- ۱۶۱- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۵۰.
- ۱۶۲- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۲۱.
- ۱۶۳- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۲۹.
- ۱۶۴- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۲۹.
- ۱۶۵- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۲۹.
- ۱۶۶- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۳۵.
- ۱۶۷- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۵۱.
- ۱۶۸- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۵۲.
- ۱۶۹- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۴۹.
- ۱۷۰- ميركياني، محمد (۱۳۷۳). تنتتوسندباد، ص ۱۶۰.

#### منابع و مأخذ

۱. احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). دستور تاریخی فعل. تهران: نشر قطره.
۲. ایمن، لیلی و دیگران. (۱۳۵۴). گذری در ادبیات کودکان. چاپ سوم. تهران: شورای کتاب کودک.
۳. باطنی، محمدرضا (۱۳۸۳). توصیف ساختمان دستور زبان فارسی. چاپ پانزدهم. تهران: امیرکبیر.
۴. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۲). ادبیات کودکان. تهران: اطلاعات.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). سبک‌شناسی نثر. تهران: نشر میترا.
۶. صفوی، کوروش (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: چشمه.
۷. مشایخ، زینت (۱۳۸۷). تأملی بر ضمایر متصل. نشریه آموزش زبان و ادب فارسی. دوره بیست و دوم. شماره ۱.
۸. مقدسی‌نیا، مهدی و سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۳). کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه. دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره پنجم. شماره ۵ (پیاپی ۲۱).





## تداولية الالفاظ لقصة ( تن تن سندباد ) محمد مير كياني

۹. میرحاجی، حمیدرضا و نظری، یوسف (۱۳۹۲). بررسی بافت متن از دیدگاه برجسته‌ترین زبان‌شناسان قدیم مسلمان براساس الگوی حازم قرطاجنی. دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره چهارم. شماره ۲ (پیاپی ۱۴).

۱۰. میرکیانی، محمد (۱۳۷۳). تن تن وسندباد ، چاپ اول تابستان ، چاپ وصحافی پژمان ، تهران

۱۱. نقویان، ناصرالدین علی و دیگران (۱۳۹۳). کاربردشناسی تجربی و کسری هنجارمندی بهره آموزش زبان خارجی از نظریه کاربردشناسی عام. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ششم. شماره ۳.

### Sources and references :

- 1- Ahmadi Givi, Hassan (1380). The historical order of the verb. Tehran: Drop Publishing.
- 2- Safe, Lily and others. (1354). A passage in children's literature. Third edition. Tehran: Children's Book Council.
- 3- Bateni, Mohammad Reza (1383). Description of Persian grammar structure. Fifteenth edition. Tehran: Amirkabir.
- 4- Shaari Nejad, Ali Akbar (1372). Children's Literature. Tehran: Information.
- 5- Shamisa, Sirus (1384). Stylistics of prose. Tehran: Mitra Publishing .
- 6- Safavid, Cyrus (1373). From linguistics to literature. Tehran: Cheshmeh.
- 7-Shaykhs, Zinat (1387). A reflection on connected pronouns. Journal of Persian Language and Literature. Twenty-second period. No. 1.
- 8- Moghadasinia, Mehdi and Soltani, Ali Asghar (2014) / Application of language and literary mechanisms in some Shiite prayers. Bimonthly of Language Research. The fifth period. No. 5 (21 in a row).
- 9- Mirhaji, Hamidreza and Nazari, Yousef (2013). A study of the texture of the text from the perspective of the most prominent ancient Muslim linguists based on the model of Hazem Qartajani. Bimonthly of Language Research. Fourth period. No. 2 (14 in a row).
- 10- Mirkiani, Mohammad (1373). Tan Tan and Sinbad, first summer edition, Pejman printing and binding, Tehran.
- 11- Naqviyan, Nasreddin Ali and others (1393). Experimental practicality and normative deficit of foreign language teaching benefit from general practical theory. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities. The sixth period. No. 3.

